

دکتر پروانه شاه حسینی
هئیت علمی پژوهشکده سمت

تحلیل‌های جغرافیایی

شبکه شهری ایران

چکیده

در چگونگی شکل‌گیری و توسعه شهری ایران عوامل مختلفی مؤثر بوده است. این مقاله مروری بر شبکه شهری ایران و بررسی نقش هر یک از دو عامل طبیعی و انسانی با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی است. بررسی نشان می‌دهد که با وجود نقش انکارناپذیر عامل طبیعی بر شبکه شهری ایران، عامل انسانی به‌ویژه با روی کار آمدن حکومت پهلوی نقش مهم‌تری داشته و از این‌رو شبکه شهری کهکشانی به شبکه شهری قطبی تغییر شکل داده است.

کلیدواژه‌ها: شبکه شهری، شهرهای ایران، توزیع جمعیت، عامل طبیعی، عامل انسانی.

مقدمه

شبکه شهری در بیشتر موارد به نظام وابستگی‌ها و ارتباط خارجی شهرها اطلاق می‌شود و مرزهای آن با توسعه حمل و نقل و ارتباطات گسترش می‌یابد. هر شبکه شهری به‌صورت شرکا عمل می‌کند. با این تفاوت که در این رابطه، سهم یکی بیشتر و سهم دیگری کمتر است. این سودبری در بیشتر موارد از تقسیم کار ناحیه‌ای یا جهانی ناشی می‌شود. از این‌رو شبکه‌های شهری نمی‌توانند در هر زمان مسائل مردم را حل کنند، اما می‌توانند شهرها را به همکاری با یکدیگر راهنمایی کرده و امتیازاتی عرضه کنند که شهرها به تنهایی توان کسب آن‌ها را ندارند (شکویی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

از سال ۱۳۰۰ به بعد نظام توزیع جمعیت کشور تحت تأثیر عامل اقتصادی یعنی رشد نظام سرمایه‌داری و جایگزین شدن مازاد اقتصاد حاصل از صادرات نفت و عامل نظام تقسیمات کشوری قرار گرفت. از آنجا که در تقسیمات کشوری به موضوعات اقتصادی-کارکردی و شکلی-کالبدی کمتر توجه می‌شود، امکانات طبیعی و انسانی و اعتبارات در سطح همه استان‌ها به‌طور متعادل توزیع

نمی‌شود؛ از این‌رو هم بازده هر گونه برنامه‌ریزی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی ناچیز است (رهنما و احمدی‌پور، ۱۳۸۲: ۳۶) و هم توزیع جمعیت در سطح همه استان‌ها متناسب با مساحت آن‌ها نیست.

همچنین، طی این مدت با انباشت درآمدهای ارزی نفتی در شهرهای بزرگ و به‌خصوص تهران به تدریج از جمعیت روستایی به نفع جمعیت شهری کاسته شد، به‌طوری که میزان جمعیت شهری از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵، به بالغ بر ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت و با وجود بالاتر بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت روستایی از نرخ رشد جمعیت شهری، طی همین سال‌ها جمعیت روستایی از ۶۸/۳ درصد به ۲۸ درصد کاهش یافت (جدول ۱) که نشان‌دهنده شدت مهاجرت روستاییان به سوی مناطق شهری، متروک شدن روستاها، ادغام روستاها در شهرها و تبدیل آن‌ها به شهر است. جمعیت شهری در همه استان‌های کشور روند افزایشی داشته، اما نرخ آن در همه استان‌ها یکسان نبوده است. بیشترین نرخ رشد شهرنشینی در سرشماری سال

در ایران، به دلیل شرایط آب و هوایی مساعد در عرض‌های بالا، هر قدر از شمال به جنوب پایین بیاییم از تعداد شهرها و جمعیت شهری کاسته می‌شود

خام‌شهرها با وجود تعداد زیادشان پراکنش فضایی یکدست و متوازنی در سطح کشور ندارند و متأسفانه با شکل‌گیری استان‌های تازه تأسیس بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. خام‌شهرها همچنین در همه جهت‌های جغرافیایی توزیع یکسانی ندارند و تعداد آن‌ها در قسمت‌های شمال غربی و جنوب غربی کشور بیشتر از سایر مناطق است. کمترین تعداد خام‌شهرها مربوط به استان‌های تهران و البرز است (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲: ۵۳۷-۵۴۷).

الف. آسیب‌شناسی شبکه شهری

عوامل مؤثر در آسیب‌شناسی شبکه شهری ایران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. ویژگی‌های طبیعی الف. عرض جغرافیایی

عرض‌های جغرافیایی ۲۵ تا ۴۰ درجه شمالی کره زمین، که ایران در آن واقع شده، محدوده کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان است که خصوصیت آن میزان بارندگی کم، یعنی سالانه ۲۰۰-۲۵۰ میلی‌متر است. بنابراین آب و هوای ایران جزء آب و هوای گرم و خشک محسوب می‌شود. با این حال، به دلیل وجود عواملی چون ارتفاع، دریاها، شمال و جنوب کشور، چگونگی ورود سیستم‌های جوی و شرایط محلی کشورمان دارای تنوع اقلیمی است.

در ایران، به دلیل شرایط آب و هوایی مساعد در عرض‌های بالا، هر قدر از شمال به جنوب پایین بیاییم از تعداد شهرها و جمعیت شهری کاسته می‌شود. به عبارت دیگر بیشتر شهرها و جمعیت شهرنشین در عرض‌های ۳۰ تا ۴۰ درجه متمرکزند و نسبت کمتری از آن در عرض‌های پایین یعنی ۲۵ تا ۳۰ درجه قرار دارند. نکته حائز اهمیت اینکه بسیاری از مادرشهرهای مهم کشور مانند شیراز، اصفهان، تهران، تبریز و مشهد که حوزه نفوذ و کشش وسیعی دارند و از پسرکرانه سرزمینی کشاورزی و خدماتی گسترده‌ای برخوردارند، عموماً در عرض‌های جغرافیایی متوسط تا بالای کشور واقع شده‌اند.

عامل عرض جغرافیایی را سایر توان‌های عوامل محیطی و منافع اقتصادی مهار یا تعدیل می‌کنند. برای مثال هر چند خوزستان در عرض جغرافیایی پایین کشور واقع است، به دلیل وجود جریان رودخانه‌های بزرگ جاری از زاگرس و نیز داشتن خاک‌های آبرفتی حاصلخیز و پیدایش و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز توانسته است تا حدود بسیاری نقش عامل عرض جغرافیایی را در کاهش تراکم کانون‌های شهری تعدیل کند. اما در استان‌های دیگر واقع در همین عرض جغرافیایی مانند بوشهر، هرمزگان و سیستان و

۱۳۹۰ متعلق به استان‌های قم، تهران و البرز بوده و کمترین میزان آن به استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان تعلق داشته است.

هرچند در سال ۱۳۹۰ میزان شهرنشینی در استان‌های هرمزگان و بوشهر کم بوده، اما طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ به دلیل ایجاد فرصت‌های شغلی به ترتیب با ۳/۵۸ درصد و ۴/۵ درصد بیشتر از متوسط رشد سالانه جمعیت شهری کشور را داشته‌اند. به موازات افزایش جمعیت شهری، بر تعداد شهرها نیز، به ویژه بعد از انقلاب، افزوده شده، یعنی طی ۳۵ سال ۷۶۷ نقطه شهری به نقاط شهری

جدول ۱. روند تغییرات جمعیت شهری و تعداد شهرها ۱۲۷۹-۱۳۹۰

سال	کل جمعیت کشور (به میلیون نفر)	تعداد شهرها	جمعیت شهرنشین (به میلیون نفر)	درصد جمعیت شهری	میزان رشد (درصد)
۱۲۷۹	۹/۸۶	۹۹	۲/۳	۲۰/۶	-
۱۳۳۵	۱۸/۵	۱۹۹	۶	۳۱/۴	۵
۱۳۴۵	۲۴/۵	۲۷۱	۹/۸	۳۸/۷	۴/۹
۱۳۵۵	۳۴	۳۷۳	۱۵/۹	۴۶/۱	۵/۴
۱۳۶۵	۴۹	۴۹۶	۲۶/۸	۵۴/۳	۳/۵
۱۳۷۵	۶۰	۶۱۷	۳۶/۷	۶۱/۳	۳
۱۳۸۵	۷۰	۱۰۱۳	۴۸	۶۸/۴	۲/۸
۱۳۹۰	۷۵	۱۱۳۹	۵۴	۷۱/۴	۲/۱۶

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۰.

ایران افزوده شده است (جدول ۱).

شایان ذکر است که همه این نقاط شهری خصوصیات شهر را ندارند. با این حال، در مقاطع مختلف زمانی، به ویژه در دو سرشماری اخیر^۱ به دلیل تغییر قانون تقسیمات کشوری روستاهای کوچک، علی‌رغم داشتن جمعیت کمتر از حد آستانه، به‌عنوان شهر تعریف شده‌اند. برای مثال در سرشماری سال ۱۳۹۰ برخلاف معیار تبدیل روستا به شهر نقاطی مانند سومار در استان کرمانشاه با ۹ نفر، چناره در استان کردستان با ۱۸۴ نفر و گزتگ در استان مازندران با ۲۰۰ نفر جمعیت شهر خوانده می‌شوند. تعداد این دسته از شهرها که در نظام شهری ایران پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود و بعضی آن‌ها را خام‌شهر می‌نامند، مطابق سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به حدود یک‌سوم تعداد کل شهرهای کشور می‌رسد.

در ایران دشت‌ها به دلیل دارا بودن شیب، خاک حاصلخیز و آب مناسب مساعدترین مکان برای استقرار مردم هستند

بلوچستان، به دلیل نبود عوامل مساعد و محدودیت‌های محیطی ناشی از آن، آب و هوای گرم و خشک کماکان قدرت اثرگذاری خود را حفظ کرده و مانع رشد و تکوین شهر و شهرنشینی در این استان‌ها شده است. همچنین دشت کویر، با بیش از ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع مساحت، با آنکه در عرض‌های میانی قرار دارد، شرایط و ویژگی‌های خاص محیط طبیعی‌اش، یعنی نبود یا کمبود آب، خاک نامناسب و گرمای هوا عامل محدودکننده‌ای در پیدایش و توسعه شهری در آن، حداقل تا امروزه بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت که نقش عامل عرض جغرافیایی، چه به‌عنوان عامل مساعد یا محدودکننده توسعه شهری نسبی بوده و متناسب با شدت و ضعف سایر شرایط محیطی و انسانی تغییر می‌کند.

۲. عوامل انسانی

الف. پدیده نخست شهری

تا سال ۱۲۷۹ ش در ایران نخست شهری وجود نداشت. اما از اواخر دوره قاجاریه یعنی به دنبال انقلاب مشروطه و درخواست حضور هرچه بیشتر دولت مرکزی در ایالات و ولایات و همچنین تمرکز نظام اداری در دستگاه‌های حکومتی، فرایندهای اداری و بوروکراتیک برای اداره امور اجرایی، فنی، تخصصی، خدماتی و عمومی در سطوح مختلف تقسیمات فضایی کشور به مرکزیت تهران شکل گرفت که نتیجه آن تمرکز روزافزون جمعیت در شهر تهران به عنوان پایتخت بود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۱).

به‌طوری که جمعیت تهران (۵۴۰ هزار نفر) به‌طور محسوسی از جمعیت دومین شهر یعنی تبریز (۲۱۴ هزار نفر) بیشتر شد. در این سال نسبت جمعیت شهر اول به شهر دوم (شاخص دو شهر) به ۲/۵ رسید که نشان‌دهنده ظهور پدیده نخست شهری در کشور است.

از سال ۱۳۳۵ به بعد نخست شهری در ایران به دلیل صنعتی شدن و توسعه صنعتی و به دنبال آن جذب جمعیت به شهرها و انفجار شهری و گسترش شیوه زندگی غربی شدت بیشتری گرفت و میزان آن در سال ۱۳۵۵ به اوج رسید، اما از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ روندی نزولی داشته است (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۶؛ شاطریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵). این بدان معنی است که با اقدامات تمرکززدایی سیاسی، اداری، صنعتی، اقتصادی و مالی که از دهه ۱۳۴۰ آغاز شده، سلسله مراتب شهری به سمت توزیع متعادل‌تری در حرکت بوده و به وضعیت برتری رسیده است.

برای کاهش نقش شهر تهران سیاست تمرکززدایی صنایع از تهران در دستور کار قرار گرفت و بر این اساس بعضی از تخصص‌های صنعتی در بعضی از شهرها ایجاد شدند. مانند صنایع ماشین‌سازی و تولید آلومینیوم در اراک، صنایع نساجی و الکتریکی در رشت، قم، کاشان و یزد؛ صنایع ماشین‌سازی در

بخش اعظم ایران را ناهمواری‌ها پوشانده است؛ از جمله رشته کوه البرز در شمال، که از قفقاز در شمال غرب شروع شده و تا خراسان در شمال شرق ادامه دارد، و نیز رشته کوه زاگرس که از شمال غرب به جنوب شرق کشیده شده و همچنین کوه‌های مرکزی. با توجه به این ارتفاعات می‌توان ایران را به پنج واحد عمده جغرافیایی شامل سواحل دریای خزر، کوه‌های البرز، فلات مرکزی که دشت کویر و دشت لوت در آن قرار دارند، کوه‌های زاگرس و بالاخره جلگه‌های ساحلی خلیج فارس و دریای عمان تقسیم کرد. هر یک از این واحدهای جغرافیایی ویژگی‌های بوم‌شناختی (اکولوژیک) و شرایط زیستی خاصی را برای اسکان فراهم آورده‌اند.

ب. ناهمواری

ارتفاعات بین ۰ تا ۳۰ متر کمترین و ارتفاعات بالای ۵۰۰ متر بیشترین تعداد شهر را دارند. از ارتفاع بیش از ۲ هزار متر به‌علت وجود اراضی ناهموار، دره‌های پرشیب و تنگ، آب و هوای نامساعد، عدم امکان تشکیل خاک و در نتیجه عدم وجود اراضی کشاورزی به عنوان پسرکانه‌های شهری کانون‌های شهری کمتری وجود دارد و با وجود افزایش تعداد شهرها در طول زمان در این ارتفاع، تعداد جمعیت آن‌ها چندان نیست. این شهرها بیشتر در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، جنوب شرق، شمال خراسان و البرز مرکزی قرار گرفته است. اما مترکم‌ترین کانون‌های شهری در سواحل دریای خزر یعنی در حریم ارتفاعی بین ۲۶/۵ تا ۱۰۰ متری وجود دارد که دارای منابع آبی دائمی و خاک مناسب هستند.

در ایران دشت‌ها به دلیل دارا بودن شیب، خاک حاصلخیز و آب مناسب مساعدترین مکان برای استقرار مردم هستند. از این رو بیشترین شهرها (۵۰/۶۱ درصد) در دشت‌ها واقع شده‌اند. در این

با وجود توجه به روستاها در سال‌های بعد از انقلاب، به دلیل وجود نداشتن روابط هماهنگ و صحیح میان شهر و روستا یکپارچگی و تعادل در ناحیه برقرار نیست

را در کل نظام شهری نشان می‌دهد (شکل ۱).

۲. شکل‌گیری شبکه شهری زنجیره‌ای

شبکه شهری زنجیره‌ای ضمن برهم زدن روابط منطقی میان شهرهای کوچک، میانی و بزرگ، به دلیل تمرکز سرمایه و فعالیت در شهرهای بزرگ، نوعی از روابط مرکز-پیرامون را سبب شده که باعث به اصطلاح، زهکشی منابع از شهرهای پیرامونی به سوی کلان‌شهرها و مادرشهرهای منطقه‌ای و ملی شده (زنگی‌آبادی و صابری، ۱۳۸۹: ۱۳۱) و در نتیجه رابطه دو سویه شهرها و روستاها را به رابطه یک سویه نیز تغییر داده و در نهایت شبکه شهری زنجیره‌ای را پدید آورده است. از این‌رو ارتباط منطقی میان شهرهای سطوح مختلف با یکدیگر وجود ندارد و به همین دلیل نظام‌های شهری در مقیاس منطقه‌ای و ملی ناکارآمد شده و آشفتگی در شبکه شهری ایران پدید آمده است.

ب. عوامل ناهمگونی شبکه شهری

این ناهمگونی در شبکه شهری و گسترش شهرهای ایران را می‌توان ناشی از شش عامل زیر دانست (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۱۸۲-۱۹۴؛ داوودپور و اردلان، ۱۳۹۰: ۹۰):

- **عوامل جغرافیای طبیعی؛** وجود زمین‌های کشاورزی و باغات، آب‌های سطحی، شیب تند و کوه‌های واقع در اطراف شهرها و جهت باد به شهر؛

- **عوامل اجتماعی و فرهنگی؛** نرخ‌های بالای رشد طبیعی جمعیت شهری و جمعیت روستایی، افزایش مهاجرت به شهرها به دلیل کاهش اهمیت بخش کشاورزی و اجرای اصلاحات ارضی و اقتصاد انتظاری؛

- **عوامل اقتصادی؛** تزریق مازاد درآمد نفت به شهرها و تغییر نقش آن‌ها از الگوی سنتی به الگوی حاصل از روابط سرمایه‌داری، قیمت زمین، استقرار صنایع و کارگاه‌ها؛

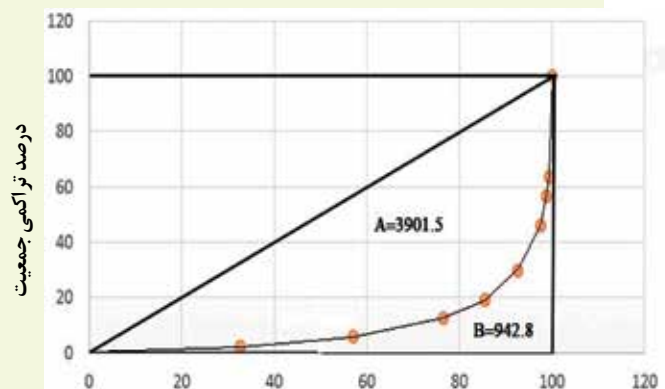
- **عوامل کالبدی فضایی؛** جاده‌های بین شهری، کمربندی‌ها و کنارگذرها و بافت پراکنده شهرها؛

- **عوامل سیاسی؛** واگذاری زمین، که مهاجرت شدید روستاییان به شهرها را به دنبال داشته است؛

- **عوامل برنامه‌ریزی؛** طرح‌های شهرک‌سازی، تعیین محدوده شهر و تقسیمات نامناسب کشوری. تقسیمات نامناسب کشوری مانع توزیع بهینه منابع و امکانات در سطح استان‌ها شده است، زیرا فرصت‌های جغرافیایی مانند توزیع منابع فسیلی نفت و گاز، سواحل و آب‌های آزاد و آب‌های شیرین و معادن میان استان‌ها به‌طور نامناسب توزیع شده و از این‌رو به بی‌عدالتی فضایی و جغرافیایی میان استان‌ها منتهی شده است. همچنین به دلیل

تبریز، صنایع تولیدات فلزات اساسی در اهواز؛ صنایع پتروشیمی و الکترونیکی در شیراز؛ صنایع تولید فلزات اساسی و نساجی در اصفهان، صنایع نساجی و تولید لوازم با دوام خانگی و صنایع کانی فلزی در قزوین، صنایع غذایی و نساجی در مشهد و صنایع پتروشیمی در بندر امام. همچنین پس از انقلاب اسلامی با پیگیری محدودیت استقرار صنایع در محدوده ۱۲۰ کیلومتری تهران و با تصویب قانون شرکت شهرک‌های صنعتی ایران در سال ۱۳۶۲، پس از اشباع شهرهای واقع در محدوده بلافاصله ۱۲۰ کیلومتری تهران مانند قزوین، ساوه، کاشان و قم، شهرهای کوچکی مانند اهر و سمنان جاذب بخش خصوصی شدند و همچنین با دریافت وام‌های تولیدی در مناطق محروم، در چارچوب تبصره‌های برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله، بخش خصوصی به سمت این مناطق گرایش بیشتری یافت (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴).

با وجود این اقدامات هنوز شهر تهران مهم‌ترین شهر کشور است و افزایش شهرنشینی، مهاجرت‌های شدید روستا-شهری و سیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، شاخص نخست شهری و الگوی نامتعادل و نامتوازن در نظام شهری کشور تشدید شده، به طوری که در بیشتر استان‌های کشور به جز مازندران و سمنان، تمرکز جمعیت در شهر اول استان وجود دارد. مقایسه جمعیت شهر دوم هر استان نسبت به جمعیت شهر اول حاکی از وجود گسیختگی شدید در نظام شهری کشور است. اما نسبت بین شهرهای دوم و سوم هر استان تعادل مطلوبی برقرار است (اکبرپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۴۸).



درد تراکم شهرها
شکل ۱: منحنی تراکم شهرها و جمعیت

از نظر منطقه‌ای نیز مناطق البرز جنوبی، خراسان و فارس بالاترین و مناطق ساحلی شمالی و زاگرس کمترین میزان نخست شهری و تمرکز را دارند (قدیری و شاکری، ۱۳۹۴: ۴۳). منحنی لورنز با عدد ۸۰ درصد در سال ۱۳۹۰ وضعیت نامتعادل و بحرانی

بیشتر شهرها و جمعیت‌های شهری در عرض‌های میانی و بالا و در ارتفاع ۵۰۰ متر به بالا قرار دارند. عامل انسانی در طی زمان متغیر بوده است

پایتخت با تمرکز امکانات و عملکردهای مختلف نقش و اهمیت بیشتری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند، بین استان‌های کشور، نابرابری‌های عمیق اقتصادی که ارتباط مستقیمی با نرخ شهرنشینی دارد پدید آمده و موجب تقسیم کشور به مناطق برخوردار و محروم شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. روند معیار تبدیل روستا به شهر در ایران عبارت است از: تا سال ۱۳۳۵: فاقد ملاک خاص، ۱۳۳۵-۱۳۵۵ دارا بودن ۵ هزار نفر جمعیت، ۱۳۵۵-۱۳۶۲: ۵ هزار نفر و مراکز شهرستان‌ها، ۱۳۶۲-۱۳۷۱: ۱۰ هزار نفر و وجود شهرداری، ۱۳۷۱-۱۳۸۹: ۴ هزار و ۶ هزار نفر و روستاهای مرکز بخش، ۱۳۸۹ تاکنون: ۳۵۰۰ نفر و مرکز بخش و روستاهای واجد شرایط (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲: ۵۳۷).

منابع

۱. اعظمی، هادی و علی‌اکبر دبیری (۱۳۹۱)، «تحلیل عناصر تهدید اقتصادی- کارکردی و شکلی- کالبدی در نظام تقسیمات کشوری ایران»، *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره هجدهم.
۲. اکبرپور، محمد و همکاران (۱۳۸۸)، «تحلیل عملکرد شهرهای جدید در نظام شهری کشور»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره اول.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، «راهبردهای تمرکززدایی و تراکم‌زدایی از تهران به عنوان پایتخت ایران»، همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (قطب جغرافیایی سیاسی).
۴. داودپور، زهره و داریوش اردلان (۱۳۹۰)، «نظریه عمومی برای شهرهای قرن بیست و یکم و انطباق آن با شرایط ایران»، هیت شهر، شماره نهم.
۵. رهنما، محمدرحیم و زهرا احمدی‌پور (۱۳۸۲)، «درجه‌بندی نظام تقسیمات کشوری»، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۷۰.
۶. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶)، «بررسی تحولات نخست شهری در ایران»، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۹.
۷. زنگی‌آبادی، علی و حمید صابری (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل ساختار سلسله مراتب شهری ایران ۱۳۷۵-۱۳۸۵»، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۹۶.
۸. زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۹۲)، «فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خام‌شهرها»، *پژوهش‌های روستایی*، شماره ۳.
۹. شاطریان، محسن و همکاران (۱۳۹۰)، «تحلیل و مقایسه توزیع اندازه شهرها در سیستم شهری ایران»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۸.
۱۰. شکوئی، حسین (۱۳۹۳)، *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، تهران: سمت.
۱۱. شاه‌حسینی، پروانه و محمدتقی رهنمایی (۱۳۸۹)، *سنجش تطبیقی شهرهای ایران: نمونه استان‌های مازندران و هرمزگان*، تهران: سمت.
۱۲. قدیری، محمود و فاطمه شاکری (۱۳۹۴)، «تحلیل تطبیقی الگوی توزیع جمعیت در نظام شهری مناطق ۱۰ گانه کشور»، *جغرافیا و توسعه*، شماره ۴۰.
۱۳. مراکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های کشور ۱۳۳۵-۱۳۹۰، تهران: مؤلف.

وجود پدیده «مرکز-پیرامون»، که براساس آن کشور به استان‌های برخوردار و محروم تقسیم شده، توسعه نامتوازن استانی پدید آمده است. استان‌های برخوردار شامل استان‌های تهران، البرز، قم، سمنان، مازندران، قزوین و استان‌های محروم که بیشتر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور و در مناطق کوهستانی واقع‌اند شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، کرمان، ایلام، هرمزگان، کردستان، خراسان جنوبی، آذربایجان غربی و اردبیل است.

نتیجه‌گیری

در چگونگی شکل‌گیری و توسعه شهری ایران همواره عوامل طبیعی یعنی عرض جغرافیایی و ارتفاع به دلیل تأثیرگذاری عمده بر آب و هوا، منابع آب، پوشش گیاهی، خاک، شیب زمین و مانند آن نقش اساسی داشته‌اند. شایان ذکر است که در این فرایند شرایط محلی نیز نقش بسزایی دارند. از این رو بیشتر شهرها و جمعیت‌های شهری در عرض‌های میانی و بالا و در ارتفاع ۵۰۰ متر به بالا قرار دارند. عامل انسانی در طی زمان متغیر بوده است. از سال ۱۳۰۰ به بعد در نتیجه شکل‌گیری دولت‌های رانتی و با اتکای اقتصاد ایران به نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن و مصرف این درآمدها در شهرها به‌خصوص شهرهای بزرگ و در رأس آن‌ها شهر تهران، به دلیل در پیش‌گیری راهبردهای قطب‌های رشد و مرکز-پیرامون و نیز چگونگی تقسیمات کشوری، شبکه شهری ایران از شکل کهکشانی به شکل قطبی درآمد و عدم تعادل بر آن حاکم شد تا آنجا که با وجود اجرای سیاست‌های تمرکززدایی هنوز شهر تهران برترین شهر کشور و مراکز استان‌ها، نخست شهرهای استان‌های خود به شمار می‌آیند.

تحولات در ساختار شهرها بیشتر در سال‌های پس از جنگ (دفاع مقدس) و طی دوران بازسازی و توسعه اقتصادی روی داده است. یعنی افزایش تعداد شهرهای خام و کوچک، جریان واگرایی توسعه کالبدی شهر و جدایی‌گزینی اجتماعی با اسکان اقشار کم‌درآمد شهری از شهرهای بزرگ و متوسط در روستاها و شهرهای جدید. بدین ترتیب در شبکه شهری ناحیه‌ای شهرهایی پدید آمده‌اند که به دلیل کمبود و نارسایی در عملکردهای اقتصادی و اجتماعی ارتباط متقابل با روستاهای پیرامونشان ندارند یا تعاملات فضایی میان آن‌ها و روستاهای اطرافشان با نقصان مواجه است.

از این رو با وجود توجه به روستاها در سال‌های بعد از انقلاب، به دلیل وجود نداشتن روابط هماهنگ و صحیح میان شهر و روستا یکپارچگی و تعادل در ناحیه برقرار نیست. در چنین شرایطی از آنجا که تمامی شهرهای واقع در یک ناحیه، جایگاه مناسبی در شبکه شهری ناحیه خود ندارند و شهرهای بزرگ به‌خصوص